

گزارشات سیاحان اروپایی عصر صفوی درباره آرامنه جلفا

گردآورنده: دکتر شکوه‌السادات اعرابی هاشمی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد

گزارش سفر روحانیون دیگر آگوستین، در سال ۱۰۹۱ هـ / ۱۶۱۱ م. به زبان پرتغالی در لیسبون منتشر شد.^۱

آنتونیو دوگووا به هنگام جنگ ایران و عثمانی در ایران نبوده و احتمالاً اطلاعات خود را از دیگر روحانیون آگوستین که در ایران به سر می‌بردند، گرفته است.

سفرنامه فوق در سال ۱۶۴۶ م. به زبان فرانسه ترجمه گردیده^۲ و نصرالله فلسفی در کتاب خود موسوم به زندگانی شاه عباس اول، آنجا که می‌خواهد جنگ ایران و عثمانی و مهاجرت آرامنه را از دیدگاه سیاحان اروپایی توصیف کند، از این سفرنامه به کرات نقل قول نموده است.^۳

○ سفرنامه لوئیس پرهیرا دل‌اسردا (Luis Preira de La Cerda)، سفیر اسپانیا که در اثنای جنگ شاه عباس با عثمانی در محل قارص (جمادی الاول ۱۰۱۳ هـ / نوامبر ۱۶۰۴ م.) به حضور شاه عباس رسید، یکی دیگر از گزارش‌های با ارزش می‌باشد.

از جمله اهدافی که دل‌اسردا از طرف مخدوم خود، فیلیپ، داشت این بود که تا می‌تواند پادشاه ایران را به جنگ با عثمانی تحریک کند و مانع از سازش ایران و عثمانی گردد. سفیر پس از ضیافتی که شاه به مناسبت وی ترتیب داد به قزوین بازگشت و سه ماه در قزوین منتظر شاه‌عباس ماند ولی به علت طولانی شدن جنگ از شاه‌ایران خبری نشد و ناچار سفیر اسپانیا بلشیر دس آنجوس (Belchior dos Anjos)، کشیش فرقه آگوستین، را به نزد اللهوردی خان که در رکاب شاه در اردوگاه جنگی بوده فرستاد. بلشیر در ذی‌القعدة ۱۰۱۳ هـ / ۲۱ مارس ۱۶۰۵ م. زمانی که جنگ تقریباً تمام شده بود و مهاجران ارمنی در تبریز به سر می‌بردند، به این شهر وارد شد. وی نخستین کسی است که از نزدیک شاهد چگونگی وضعیت آرامنه کوچنده از ارمنستان به تبریز بوده و اطلاعات بسیاری از وضعیت مهاجرین ارمنی در سفرنامه خود گردآورده است.

این سفرنامه در سال ۱۹۷۲ م. در لیسبون به زبان پرتغالی منتشر گردیده است.^۴

○ سفرنامه پیترودلاواله (Pietro- Della Valle) متعلق به سیاح

به دلیل قرار گرفتن جلفای نو، شهرک ارمنی‌نشین در حومه پایتخت صفوی و اهمیت سیاسی و مذهبی که این کوچ‌نشین مهاجر، جهت برقراری روابط تجاری و اشاعه مسیحیت برای اروپاییان داشته، درباره آن کمابیش اطلاعات ارزشمندی در تمام گزارشات سیاحان اروپایی از ایران وجود دارد.

برخلاف منابع رسمی صفوی، اطلاعات سفرنامه‌ها درباره وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم، اعم از مسلمانان و یا اقلیت‌های مذهبی بسیار است. اما باید به این نکته توجه داشت که گاه، دیدگاه نویسندگان اروپایی مغرضانه و با اهداف از پیش تعیین شده همراه است.

از میان سیاحان اروپایی که شاهد جنگ شاه‌عباس با ترکان عثمانی در سال (۱۰۱۲ هـ / ۱۶۰۴ م.) بود، می‌توان از ژرژ تکتاندر (George Tectander) آلمانی نام برد. او به عنوان منشی هیأت اعزامی از سوی رودلف دوم، امپراتور آلمان، به ریاست استفان کاکاش فن تسلان کمونی به ایران آمد و بعد از مرگ ناگهانی سفیر آلمان، ریاست هیأت را به عهده گرفت. زمانی که شاه عباس در جنگ با عثمانی بود، تکتاندر به دیدار وی شتافت و در رکاب شاه در جنگ و آزادسازی شهرهای ارمنی‌نشین جلفا، نخجوان و ایروان حضور داشت حاصل سفر تکتاندر به ایران، سفرنامه کوتاه و مختصر ایتروپرسیکوم می‌باشد که به رغم مختصر بودن، حاوی مطالب ارزشمندی درباره چگونگی استقبال اهالی تبریز و شهرهای ارمنستان از شاه‌عباس می‌باشد.^۵

○ سفرنامه ارزشمند دیگر متعلق به آنتونیو دوگووا (Antonio de Gouvea)، کشیش پرتغالی از فرقه آگوستین است. وی در سال ۱۰۱۰ هـ / ۱۶۰۲ م. به همراه هیأتی متشکل از کشیشان دیگر، برای انجام مأموریت مذهبی و تجاری به ایران آمد و از طرف شاه عباس به خوبی مورد پذیرایی قرار گرفت و مدتی بعد شاه، سفیری در معیت او به اسپانیا فرستاد تا قراردادی علیه ترک‌های عثمانی منعقد کند، منتهی موفقیتی در این راه نصیب او نشد و در سال ۱۰۲۰ هـ / ۱۶۱۲ م. مجدداً با مقام مهمتری به ایران آمد. حاصل سفر آنتونیو دوگووا به ایران، سفرنامه‌ای تحت عنوان گزارشی از جنگ بزرگ و پیروزی درخشان شاه‌عباس پادشاه ایران علیه سلاطین عثمانی، محمد و پسرش احمد می‌باشد که به همراه

ایتالیایی است که در فاصله سال‌های ۱۰۳۲-۱۰۲۶ ه. ق. / ۱۶۲۴-۱۶۱۸ م. در ایران به سر می‌برده است.

دلاواله از نزدیک با مهاجرین ارنی در ارتباط بوده و اطلاعات با ارزشی از ارامنه ساکن در جلفای نو و فرح‌آباد مازندران می‌دهد. دلاواله به طور کلی رفتار شاه عباس با مسیحیان را می‌ستاید و وضعیت مسیحیان ایران را نسبت به عثمانی بهتر ارزیابی می‌کند. هدف پیتر و

دلاواله از مسافرت به ایران دو امر بوده: یکی اینکه در لشکرکشی نظامی علیه ترکان عثمانی شرکت کند و تا سرحدامکان، انتقام برفتاری‌هایی را که آنان نسبت به مسیحیان روا می‌داشته‌اند، بگیرد و دیگر اینکه اسبابی فراهم سازد تا مسیحیان مقیم عثمانی را که در وضع بدی به سر می‌بردند، به ایران که نسبت به اتباع مسیحی خود در کمال مهربانی و رافت رفتار می‌کرد، مهاجرت دهد. رفتار عالی شاه عباس با ارامنه و سایر مسیحیان و آزادی کاملی که آنان در بجا آوردن آداب و رسوم مذهبی خود داشتند، چنان این جهانگرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد که او در این باره زبان به تعریف و تمجید از شاه ایران می‌گشاید و از شاهزادگان کشورهای اروپایی که علی‌رغم هم‌کیشی و هم‌خونی نسبت به آزار و شکنجه مسیحیان عثمانی بی‌اعتنا بودند، انتقاد می‌کند و در این راه آنقدر تند می‌رود که سانسور وقت در موقع چاپ کتاب مانع از انتشار آن قسمت از نامه‌ها می‌گردد.^۵

○ گارسیا دسیلوا فیگوترا (G. de silva Figueroa) سفیر اسپانیا اعزامی به دربار شاه‌عباس اول تقریباً هم‌زمان با پیتر و دلاواله در ایران به سر می‌برد. او در سفرنامه‌اش که به تقریر وی و به قلم یکی از همراهانش به رشته تحریر درآمده، اطلاعات ارزشمندی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران در عصر شاه‌عباس و از جمله وضعیت ارامنه ارائه داده است. شرح مفصل چگونگی انجام مراسم «خاج‌شویان» یا «جشن تقدیس آب»

حاصل سفر تکتاندر به ایران، سفرنامه کوتاه و مختصر «ایتزپرسیکوم» می‌باشد که به رغم مختصر بودن،

حاوی مطالب ارزشمندی درباره چگونگی استقبال اهالی تبریز و شهرهای ارمنستان از شاه عباس می‌باشد

که با حضور شاه‌عباس و توسط ارامنه در جلفا انجام گرفته است، از مطالب ارزشمند سفرنامه دن گارسیا است.

قدیمی‌ترین شرحی که در باب ایران به زبان انگلیسی، توسط سیاحی انگلیسی نوشته شده، سفرنامه توماس هربرت (Thomas Herbert) است.^۶

وی جزء هیأت انگلیسی به سرپرستی سرداد مرکاتن

(Sir Dad more Cotton) در سال ۱۰۲۸ ه. / ۱۶۲۸ م. به ایران آمد.

هربرت، نویسنده دقیق و تیزبینی بود، به طوری که عرصه مطالبی که بدان‌ها توجه کرده، سخت پهناور است. زیرا وی گذشته از مسائل اجتماعی و اقتصادی، به جغرافیا، تاریخ و باستان‌شناسی و هنر ایران نیز پرداخته است.

به هنگام ورود هیأت انگلیسی به اصفهان، همگی مورد استقبال کلاتر جلفا قرار گرفته و ضیافتی به مناسبت ورودشان در جلفا برپا گردید.

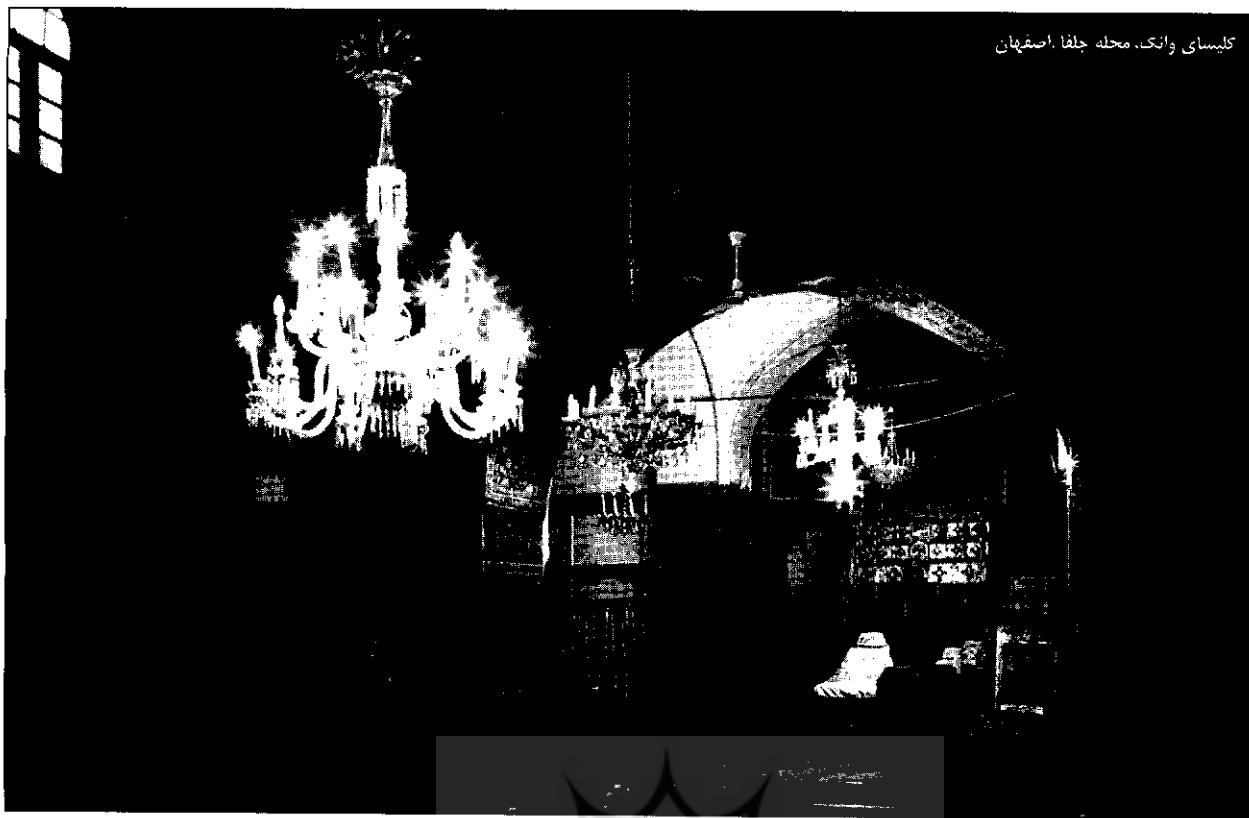
هربرت در سفرنامه‌اش، اطلاعاتی درباره جمعیت جلفا، میزان مالیات و وضعیت ارامنه در زمان شاه عباس اول ارائه داده است.

علاوه بر هربرت، جزء هیأت اعزامی انگلیس به ایران، رابرت استودارت (Robert Stodart) نیز حضور داشت که از خود گزارشی تحت عنوان سفرنامه رابرت استودارت به جای گذاشته است.^۷

○ از سفرنامه‌های مهم عصر شاه صفی، می‌توان به سفرنامه اولناریوس اشاره کرد که به سبب فاضل، مطلع و دقیق بودن مؤلف آن بسیار ارزشمند است.^۸ اولناریوس به عنوان مستشار و دبیر اول سفارت اعزامی از طرف فریدریک سوم، شاهزاده شلمویک هلشتین، به دربار شاه صفی انتخاب شد. وی به همراه هیأت آلمانی بعد از عبور از خاک روسیه، وارد ایران گردید و در اصفهان به دربار شاه‌صفی راه یافت و در بازگشت به وطن، گزارش سفر خود را به لاتین منتشر نمود.



نمای شمالی میدان نقش جهان، سال‌های پس از کرنلیوس بروین، دیدار تکتانان ایران عصر صفوی



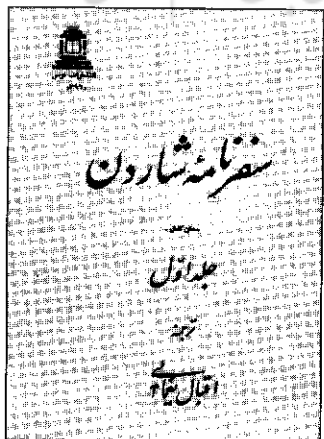
استادی خود را به حد اعلی می‌رساند. اطلاعات جغرافیایی شاردن دربارهٔ جلفای قدیم و جدید، بیش از هر سیاح دیگر می‌باشد. او محلات جلفای اصفهان را با دقت تقسیم‌بندی نموده و می‌نویسد قصبه جلفای نو، شاید بزرگترین قصبه جهان باشد که به دو بخش مسکونی نو و کهنه تقسیم می‌گردد. او سپس به شرح هریک از این محلات می‌پردازد. شاردن چون بر آیین پروتستان بوده، بر خلاف سیاحان کاتولیک مذهب، نسبت به ارامنه نظر خوش‌بینانه داشته و اطلاعات بسیاری دربارهٔ میزان مالیات ارامنه، نقش آنان در تجارت و وضعیت مذهبی ارائه داده است.

«آنتونیو دو گووای پرتغالی، در سال ۱۰۱۰ هـ / ۱۶۰۲ م. به همراه هیأتی متشکل از کشیشان دیگر برای انجام مأموریت مذهبی و تجاری به ایران آمد و از طرف شاه عباس به خوبی مورد پذیرایی قرار گرفت و مدتی بعد: شاه، سفیری در معیت او به اسپانیا فرستاد تا قراردادی علیه ترکان عثمانی منعقد کند، منتهی موفقیتی در این راه، نصیب او نشد و در سال ۱۰۲۰ هـ. / ۱۶۱۲ م. مجدداً با مقام مهمتری به ایران آمد

اولتاریوس، اولین اروپایی است که نقشه و مناظر شهرهای ایران را در کتاب خود کشیده و شرح مفصلی از نحوه زندگی ایرانیان ارائه داده است. وی ضمن توصیف اصفهان به شرح حومه آن از جمله جلفا می‌پردازد و در مجموع موقعیت ارامنه را در زمان شاه صفی، مثبت ارزیابی می‌نماید.

○ سیاحت نامه شاردن با قوی دایرةالمعارف فرهنگ و تمدن ایران یکی از منابع ارزشمند

ایام حکومت شاه عباس دوم و شاه سلیمان می‌باشد. ژان شاردن، سیاح و تاجر فرانسوی سه بار به ایران سفر کرد و افزون بر دوازده سال در این کشور به سر برد. وی اطلاعات سفرنامه خود را در سفر دوم خویش ۴-۱۰۸۲ هـ / ۳-۱۶۷۱ م. جمع‌آوری نمود و به ترتیب ذیل مدون ساخت: یادداشتهای روزانه شاردن از مشاهدات، طی سفر از پاریس تا اصفهان، توصیف اصفهان، توصیف و تشریح کلی کشور ایران و حکومت و قوای کشور و قوانین و عادات و رسوم و صنایع و حرف و علوم ایرانیان. اهمیت سیاحت نامه شاردن را می‌توان از گفته‌های خودش درک نمود که می‌گوید: «به قدری دقت کردم و به اندازه‌ای رنج بردم که بدون اغراق می‌توانم ادعا کنم که اصفهان را بیش از لندن می‌شناسم و تمام طول و عرض این کشور را پیموده‌ام.»



○ سفرنامه تاورنیه مشتمل بر شرح شش مسافرت ژان باتیست تاورنیه (J.B. Tavernier) به شرق است که در این مسافرت‌ها بیش از ۹ بار در فاصله سال‌های ۱۰۴۱-۱۰۷۸ هـ / ۱۶۳۱-۶۸ م. یعنی ایام حکومت شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان از ایران دیدن کرده است. وی شرح مبسوط و دقیقی از راهها، شهرها و دهلت ایران نموده و در همه سفرهایش، نقاشی مخصوصی به همراه خود آورده، تا نقشه شهرها، قلاع و پلها را ترسیم کند.^{۱۲}

تاورنیه شرح مفصلی از مراسم اعیاد مذهبی ارامنه، آداب ازدواج و زندگی مسیحیان به همراه تعداد کلیساهای ارامنه و فرقه‌های دیگر مسیحی ساکن در اصفهان و جلفا، محل تجارت ارامنه، و نقش آنان در تجارت بین‌المللی، جغرافیای جلفای قدیم و جدید ارائه داد و به وضعیت ارامنه در زمان

شاردن در سفرنامه خود به طور مفصل و دقیق به تحلیل اوضاع جغرافیایی و تاریخی ایران می‌پردازد و آنجا که می‌خواهد شهر اصفهان را توصیف نماید

شاه‌عباس دوم و شاه سلیمانی در جای جای کتاب خود اشاره کرده است.

در آخرین مسافرت تاورنیه به ایران در سال ۱۰۷۵ هـ / ۱۶۶۴ م. در بین همراهان او، خواهرزاده‌اش به نام دولیبه دلاتند (A. Daulie Deslandes) بود که سفرنامه‌های کوتاه به نام زیباییهای ایران از خود به یادگار گذاشته است.^{۱۲} این کتاب بنا به ادعای نویسنده، نخستین اثر مصوری است درباره ایران که در فرانسه به چاپ رسیده، لیکن اطلاعاتش اندک و مختصر و علی‌رغم مسیحی بودن، نگرش منفی نسبت به ارامنه داشته و آنها را سنتی و خرافه‌پرست می‌داند.

O سفرنامه ارزشمند دیگر، متعلق به رافائل دومان (Raphael Du Mans) تحت عنوان اوضاع ایران در سال ۱۶۶۰ م. یکی از دقیق‌ترین و سودمندترین سفرنامه‌ها یا گزارش‌هایی است که درباره ایران نیمه دوم قرن ۱۷ م. / ۱۱ هـ. نوشته شده و به کلبه نخست وزیر وقت فرانسه اهدا شده است.^{۱۳}

رافائل دومان نزدیک به پنجاه سال در ایران زندگی کرده و چهل سال از این مدت، ریاست صومعه روحانیون کاپوسین اصفهان را به عهده داشته است و علاوه بر آن به علت دانستن زبان‌های

فارسی و ترکی و احاطه بر زبانهای

آلمانی و فرانسه و لاتین، اغلب به عنوان مترجم در نزد درباریان از احترام خاصی برخوردار بوده و در نزد سلاطین صفوی تقریبی تمام داشته و از موقعیت ممتاز خود برای کمک به اروپاییان، خاصه فرانسویان استفاده می‌نموده است. کتاب رافائل دومان در برگزیده اوضاع ایران در عصر شاه عباس دوم است. وی چون کاتولیک و از فرقه کاپوسین بوده، دیدگاه انتقادی نسبت به ارامنه داشته است.

شارل شفر (C. Schefer)

خاورشناس و محقق نامی فرانسوی در

سال ۱۸۹۰ م. معرفی نامه رافائل دومان و نشر کتاب اوضاع ایران در سال ۱۶۶۰ م. را پنهان قرار داده، مقدمه‌های عالمانه بر کتاب وی نوشته است که خود رساله‌ای مستقل به شمار می‌رود.

مستشرق فرانسوی دیگر، ژان تونو (Jean Thevenot) می‌باشد که بعد از مسافرت به کشورهای عثمانی، مصر و تونس، در سال ۱۰۷۴ هـ / ۱۶۶۳ م. از راه بغداد و کرمانشاه و همدان به اصفهان رفت و پنج ماه در خانه رافائل اقامت نمود. سپس در ۱۰۷۵ هـ / ۱۶۶۴ م. با کاروانی که متعلق به تاورنیه و دیگر تجار ارمنی بود، از اصفهان به شیراز رفت و بار دیگر در سال ۱۰۷۸ هـ / ۱۶۶۷ م. به ایران آمد و به هنگام بازگشت به اروپا از طریق شمال ایران، در شهر میانه در ۱۱ جمادی الثانی ۱۰۷۸ هـ / ۲۸ نوامبر ۱۶۶۷ م. در ۳۰ سالگی درگذشت. تونو سفرنامه ناتمام خود را در سال ۱۶۶۵ م. منتشر نمود، لیکن سفرنامه کامل وی در سال ۱۶۸۹ م. تحت عنوان سفرهای مسیو تونو به شرق در پنج جلد به زبان فرانسه و در یک جلد مشتمل بر سه قسمت در سال ۱۹۷۱ م. به زبان انگلیسی منتشر گردید.^{۱۵} جان فرایر (John Fryer)، کارمند کمپانی هندشرقی انگلیس، سیاح



پیترودلاواله

انگلیسی دیگری است که در سال ۱۰۹۲-۱۰۸۳ هـ / ۸۱-۱۶۷۲ م. به شرق مسافرت کرده و در ایام حکومت شاه سلیمان به ایران آمده و سفرنامه‌های ارزشمند تحت عنوان گزارش‌های جدید از هند شرقی و ایران در طول نه سال مسافرت، از خود به جای گذاشته.^{۱۶} فرایر اطلاعات قبیل از زمان خودش درباره ایران را از توماس هربرت گرفته است. فصل ششم از جلد دوم کتاب، تماماً به جلفا اختصاص دارد و اوضاع اقتصادی جلفا و نقش ارامنه در تجارت را به تفصیل شرح می‌دهد.

از سیاحان دیگری که در زمان حکومت شاه سلیمان به ایران آمده و سفرنامه‌های از خود به جای گذاشته‌اند، می‌توان کمپفر، ساتسون و کارری را نام برد.

O کمپفر (E. kampfer) در سال ۱۰۹۵ هـ / ۱۶۸۴ م. با هیأت سوئدی به ایران آمد و به مدت ۲۰ ماه در ایران اقامت نمود. وی به زبان ترکی و فارسی مسلط بود و در نوشتن کتاب خود از سفرنامه‌های شاردن، دلاواله، تاورنیه، تونو و رافائل دومان استفاده بسیار نموده سفرنامه کمپفر برخلاف دیگر سفرنامه‌ها، شرح مسافرت او نیست بلکه از همان ابتدا مطالب را موضوع‌بندی نموده و به شرح ساختار حکومتی، اقتصادی و نظامی حکومت صفویه در عصر شاه سلیمان پرداخته و می‌توان از این کتاب، اطلاعاتی درباره وضعیت ارامنه به دست آورد.^{۱۷}

O ساتسون، مبلغ مسیحی بود

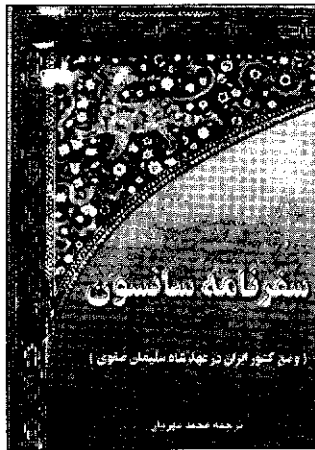
که در سال ۱۰۹۵ هـ / ۱۶۸۳ م. به ایران آمد و زبان فارسی را فرا گرفت و سال‌های متمادی در ایران باقی ماند تا آنکه مشاهدات خود را با دقت خاص به رشته تحریر درآورد. سفرنامه ساتسون حاوی مطالب زیادی درباره وضعیت مسیحیان می‌باشد.^{۱۸}

O سفرنامه کارری متضمن

یادداشت‌هایی است که این جهانگرد ایتالیایی از مشاهدات خود از شهرهای مختلف ایران گردآوری نموده است.^{۱۹}

کارری، سیاح ایتالیایی، زمانی به ایران آمد که اوج اختلافات ارامنه با کاتولیک‌ها بوده و وی چون کاتولیک بوده به انتقاد از ارامنه برخاسته و در سفرنامه خود اطلاعات مبسوطی درباره اعتقادات مذهبی ارامنه، شرح اعیاد مذهبی و مراسم ازدواج آنها داده است.

O از اولین سفرنامه‌های هلندیان به ایران می‌توان به یان اسمیت (Y. smith) و از آخرین آن‌ها به کورنلیوس دوبروین (Cornelius) اشاره کرد. کورنلیوس نقاشی چیره‌دست بود که عازم سفر به مشرق زمین شد و در ۱۴ رجب ۱۱۱۵ هـ / ۱۳ نوامبر ۱۷۰۳ م. وارد اصفهان شد و در کاروانسرای معروف به جله منزل کرد و سپس از طریق فارس و بندر گمبرون به هندوستان رفت و بار دیگر از راه ایران به هلند بازگشت. وی در بازگشت به اروپا در سال ۱۱۲۳ / ۱۷۱۱ م. در آمستردام، سفرنامه خود را به چاپ رسانید. سفرنامه کورنلیوس دوبروین از بهترین سفرنامه‌های اروپاییان درباره ایران است که در زمینه تاریخ، هنر، باستان‌شناسی و طبیعیات ایران تنظیم شده است.



استقبال از این سفرنامه به حدی بود که در سال ۱۷۱۴ م. بدون هیچ‌گونه تغییری تجدیدچاپ شد و در سالهای ۱۷۲۰ م، ۱۷۳۷ م. و ۱۷۵۹ م. نیز به زبان انگلیسی در لندن ترجمه و منتشر گردید.

کرنلیوس چون خود نقاش مشهوری بود، در سفرنامه خود سیصد تصویر کشیده که از میان آن‌ها صد و پنجاه و پنج تصویر مربوط به ایران است. از جمله نقاشی‌ها، تصویر یک زن زیبای ارمنی با لباس مخصوص به خود می‌باشد. کرنلیوس توصیف مفصلی از خانه‌ها و کلیساهای جلفا به همراه تقسیمات محلی آن ارائه داده است.

○ از دیگر سفرنامه‌های عصر شاه سلطان حسین می‌توان به گزارش سفیر کشور پرتغال، فیدالکو در دربار شاه سلطان حسین اشاره نمود که اطلاعاتی دربارهٔ اختلاف کاتولیک‌ها و ارمنه و چگونگی میانجی‌گری سفیر پرتغال، ارائه می‌دهد.^{۳۳}

○ از منابع مربوط به اواخر حکومت صفویه، به غیر از گزارشات گیلاننیز دربارهٔ حمله افغانان و سقوط اصفهان می‌توان به یادداشت‌های کشیش لهستانی اثر کروسینسکی (Krusinski) اشاره نمود.

گیلاننیز، از طرف روحانی بزرگ ارمنیان مقیم حاجی طرخان و سایر نقاط روسیه موسوم به خلیفه بزرگ، میناسی، به رشت فرستاده شد تا اطلاعات صحیح دربارهٔ وضعیت ایران به هنگام حمله افغان‌ها، جمع‌آوری نموده و برای وی بفرستد. گیلاننیز نیز توسط ژوزف اپی سالیمیان ارمنی که به عنوان مترجم شرکت فرانسوی در اصفهان کار می‌کرد، اخبار اصفهان را دریافت می‌نمود و سپس گزارش‌ها را با شکیبایی بسیار ثبت می‌کرد و آنهایی که مشکوک بوده، مجدداً مورد تفحص و تحقیق قرار می‌داد و به صورت نامه‌های طولانی برای

کاروانسرا، دوره صفوی

از میان سیاحان اروپایی که شاهد جنگ شاه‌عباس با ترکان عثمانی در سال ۱۰۱۲ هـ. / ۱۶۰۴ م. بود می‌توان از «ژرژ تکتاندر» (George Tectander) آلمانی نام برد

خلیفهٔ بزرگ می‌فرستاد. گزارش‌های گیلاننیز را به دو قسمت عمده می‌توان تقسیم کرد. قسمت اول، شرح حوادثی است که بیشتر در اصفهان روی داده و قسمت دوم دربرگیرنده وضعیت ارمنه و مسیحیان نواحی قفقاز و مناطق مرزی ایران و عثمانی می‌باشد.

قسمت اول مشتمل بر نود فقره گزارش دربارهٔ وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایتخت به هنگام حمله

افغانها و رویارویی ارمنه با آنان می‌باشد.

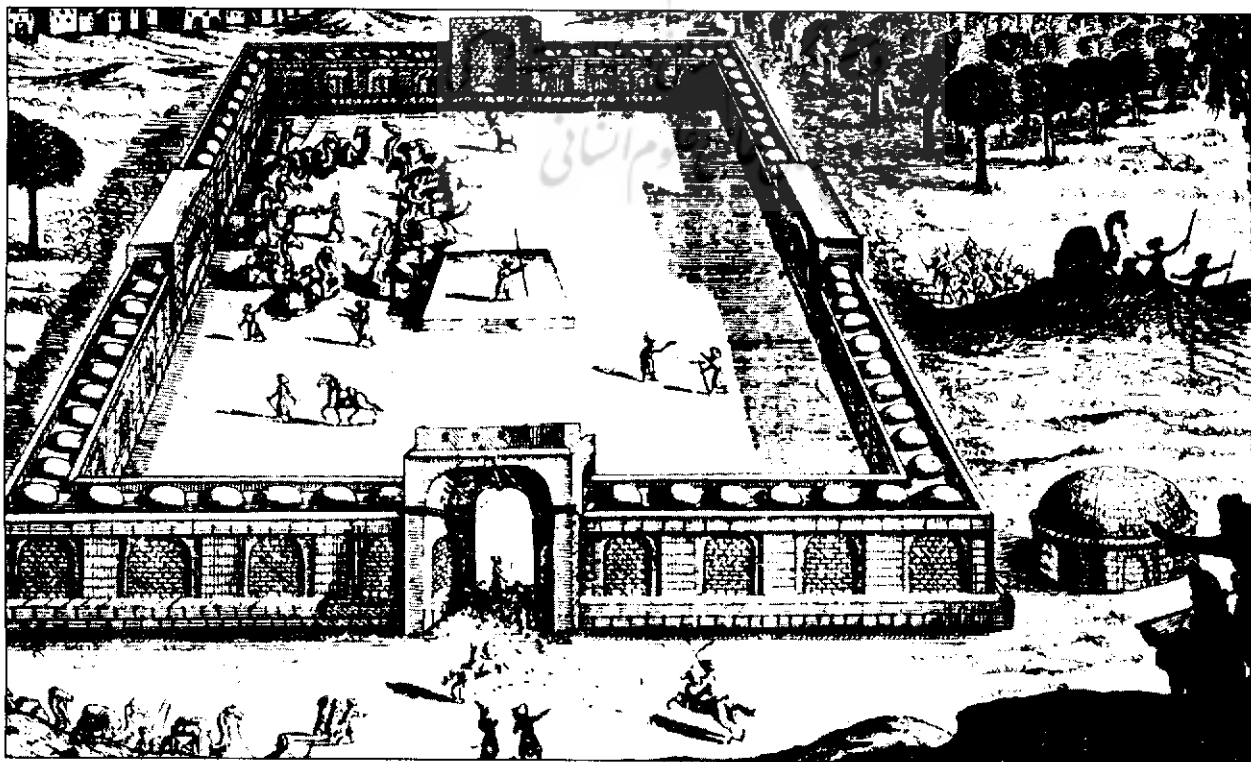
گزارش‌های گیلاننیز توسط کارو میناسیان به انگلیسی و به همت محمد مهریار به فارسی ترجمه شده است.^{۳۳}

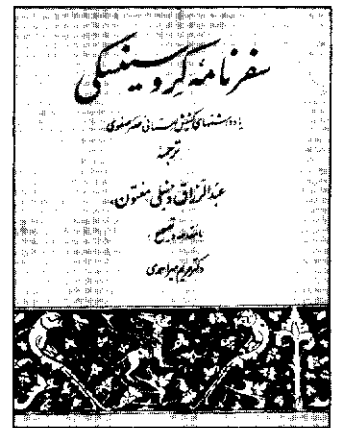
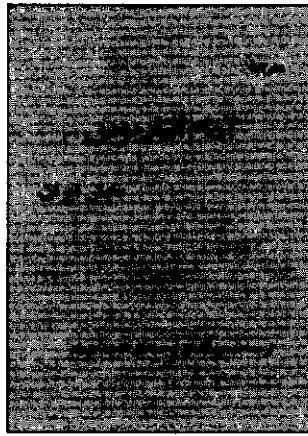
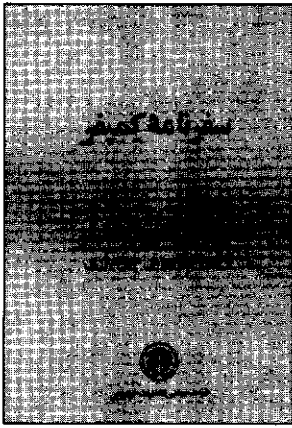
○ یادداشت‌های کشیش لهستانی، کروسینسکی، نیز از این لحاظ ارزشمند است که وی به هنگام حمله محمود افغان به اصفهان و محاصرهٔ این شهر، شاهد بسیاری از رویدادها بوده و به عنوان پزشک در اردوی محمود رفت و آمد داشته و مطالبی دربارهٔ وضعیت ارمنه نوشته است.^{۳۳}

گذشته از سفرنامه‌های فوق، یکی دیگر از گزارشات ارزشمند وقایع‌نامه کارملیت‌ها، مشتمل بر دو جلد و دارای هزار و سیصنو هفتاد و شش صفحه است که براساس مدارک و گزارشات میسیونرهای تبلیغی کاتولیک در ایران به رشته تحریر درآمده است.^{۳۳}

برجستگی این کتاب، استفاده از آرشپوهای فرقه کاتولیک و آرشپوهای خصوصی کشیشان کاتولیک است ولی به علت اینکه گزارشات کشیشان فرقه کارملی حجم وسیعی از کتاب را اشغال نموده، این اثر به وقایع‌نامه کارملیت مشهور است جلد اول کتاب حاوی وقایع و حوادث مربوط به عیسویان، موقعیت هر یک از فرقه‌های مسیحی در ایران، افکار مسلمانان نسبت به دول مسیحی و مناسبات دولت ایران نسبت به ارمنه و دیگر فرق مسیحی می‌باشد.

جلد دوم کتاب نحوهٔ ادارهٔ میسیونرها در ایران و هندوستان و چگونگی تأمین





- اولتاریوس، آدام: سفرنامه آدام اولتاریوس، ۲ ج، مترجم: حسین کردجه، تهران، شرکت کتاب برای همه، ۱۳۶۹.

۱۱ - سفرنامه شاردن دویار با مشخصات ذیل به فارسی ترجمه و چاپ شده است:
- شاردن، ژان: سفرنامه شاردن، مترجم: محمد عباسی، ۱۰ ج، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.

- شاردن، ژان: سفرنامه شاردن، مترجم: اقبال یغمائی، ۵ ج، تهران، توس (۷۵-۱۳۷۲).

همچنین سفرنامه شاردن (قسمت شهر اصفهان) به صورت جداگانه توسط حسین عریضی در سال ۱۳۴۲ منتشر شده است.

۱۲ - تاورنیه، ژان باتیست: سفرنامه تاورنیه، مترجم: ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح: حمید شیرانی، تهران، ۱۳۳۶.

۱۳ - دلپه، دلاند، آندره: زیباییهای ایران، مترجم: دکتر محسن صبا، تهران، انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۴۷.

14- Raphael Du Mans, Estate de la Perse en 1660 ed, C. Schefer, Paris, 1890.

15- Thevenot, Jean, The Travels of Mosieur de Thvenot into The revant, in There Parts I: Turkey, II: Persia (1604-1667), III: The East Idies trans/ D.Lovell, London, (1680-87).

16- Fryer, John, "A New account of East India and Persia being Nine Years travels, (1672-1681), ed: William Grooke, 3 Vol London, Hakluy Society, 1967.

۱۷ - کمپفر، انگلیت: سفرنامه کمپفر، مترجم: کیکاووس جهانناری، چاپ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۳.

۱۸ - سانسون: سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی) به اهتمام: دکتر تقی تفضلی، تهران، ابن سینا، ۱۳۶۰.

۱۹ - کاری، جملی: سفرنامه کاری، مترجم: عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگه ناسر: آاره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۸.

20- Bruno, Cornelius de, The Travels of Cornelius de Brun, Through Muscovy and Persia to the East Idies 2 Vd, translated from the France, 1737.

۲۱ - فیبالکو، گرگوریو پیررا: گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی، ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی: ژان اوپن، لیسبون، ۱۹۷۱، ترجمه به فارسی: پرویز حکمته تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.

۲۲ - گیلانتتر، پطرس دی سرکیس: سقوط اصفهان، گزارشهای گیلانتتر درباره حمله افغانان و سقوط اصفهان، مترجم: محمد مهریار، چاپ دوم، اصفهان، امور فرهنگی شهرداری اصفهان، ۱۳۷۱.

۲۳ - کروسینسکی، تادوزیودا: سفرنامه کروسینسکی (یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی) مترجم: عبدالرزاق دنیلی «مفتون»، با مقدمه و تصحیح: دکتر مریم میراحمدی، چاپ اول، تهران، توس، ۱۳۴۳.

24- Achronicle of Carmelites in Persia and The Papal Mission of XVIth and XVIIth Centuries, 2 Vol, Eyre and Spitswoode, London, 1939.

هزینه‌های آنها و شرح حال کشیشان اعزامی به ایران می‌باشد.

در فصل آخر از جلد دوم کتاب، مراکز، پایگاه‌ها، مقرها، بناها، دیرها و کلیساهای مسیونریهای کارملیت در سراسر نقاط ایران و هندوستان و بین‌النهرین، شمارش و طبقه‌بندی شده است. به گفته مینورسکی، نویسنده گمنام این اثر، درخور تحسین و سزوار تقدیر است. اما دامنه بحث آن کوتاه و تاثیر حوادث و وقایع جهان خارج در محیط آرام داعیان مذکور بسیار نیست و این گروه را به اصطلاح دستی از دور بر آتش است.

صفحات بسیاری از این کتاب به وضعیت ارامنه در ایام حکومت شاه‌عباس تا شاه سلطان حسین اختصاص داده شده است. از آمار بدست آمده در این فاصله زمانی، حداقل هفتاد گزارشگر گزارشات خود را از وقایع ایران بطور اعم و جامعه ارمنی جلقا بطور اخص نوشته‌اند. این گزارشگران و مسیونرها از نزدیک با شخصیت‌های تجاری، مذهبی و سیاسی و مردم عادی جلقای نوارتباط داشته و شاهد فعالیت‌های تجاری، تشکیلات کلیساها و آداب و رسوم مردم بوده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - نکتاندرفن دریابل، زرز: ایترپرسیکوم (گزارشی سفراتی به دربار شاه عباس اول)، مترجم: محمود تفضلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.

2- A. de Gouvea, "Relacam em gue se trata as guerras, e Victorias que alcançou o grande Rey da Persia, Xa Abbasgrandes do grao Turco Mahometo, e Seu friho Amethe...", Lisbon, Ibl.

3- A. de Gouvea, "Relation des grandes querres et Victories obtenues Par le Roy de Persecha Abbas contre les Emperereurs de Turquie Maihomet et Achmet son fils translator: Menses (Rouen, 1646).

۴ - فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، ۵ ج، تهران، علمی، ۱۳۶۴.

5- Belochior dos Anjos In R. Gulbenkan (ed), "L'Ambassade en Perse de Luis Pereira de Lacerda, Lisbon, 1972.

۶ - دلواله، پیترو: سفرنامه پیترو دلواله (قسمت مربوط به ایران)، مترجم: شعاع‌الدین شفا، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.

۷ - فیگوترا، دن گارسیا دسیلوا: سفرنامه دن گارسیا، مترجم: غلامرضا سمیعی، چاپ اول، تهران، نشر نو، ۱۳۴۳.

8- Herbert, Thomas, "Travels in Persia" (1627-29), ed: W. Foster, London, 1928.

9- Stodart, Robert, "The Journal of Robert Stodart", ed: sirDenison Ross, London, 1935.

۱۰ - سفرنامه اولتاریوس دویار با مشخصات ذیل به فارسی ترجمه و چاپ گردیده است:

- اولتاریوس، آدام: سفرنامه آدام اولتاریوس (بخش ایران)، ۱ ج، مترجم: احمد بهپور، چاپ اول، تهران، سازمان انتشاراتی فرهنگی ابتکار، ۱۳۴۳.